



حکومت ماد ها

آذربایجان قبل از اسلام

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۱۲ اسفند ۱۳۹۳ ۵۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

قبل از اسلام نوشتار اصلی: نام آذربایجان، آتروپاتکان (مکان آتروپات) یک نقشه کلاسیک که از اوراسیا که مناطق ماد و آلبانیای قفقاز را که توسط رود ارس از هم جدا شده‌اند را نشان می‌دهد. (برای بزرگ نمایی تصویر را بفشارید) کشف سند ازدواج به شکل سنگ نگاره متعلق به حدود ۱,۳۵۰ سال پیش از میلاد در بوغازکوی (Boğazköy) واقع در آناتولی، با ذکر نام پادشاه هیتی و حاکم تمدن میناتی که فرمانروایان سرزمین‌هایی هستند که مردم در آنجا به الهه‌های هندی-ایرانی میترا-وارونا، ایندرا و اشوین‌ها متوسل می‌شوند و به آنها را می‌پر

قبل از اسلام

نوشتار اصلی: نام آذربایجان، آتروپاتکان (مکان آتروپات)



یک نقشه کلاسیک که از اوراسیا که مناطق ماد و آلبانیای قفقاز را که توسط رود ارس از هم جدا شده‌اند را نشان می‌دهد. (برای بزرگ نمایی تصویر را بفشارید)

کشف سند ازدواج به شکل سنگ نگاره متعلق به حدود ۱,۳۵۰ سال پیش از میلاد در بوغازکوی (Boğazköy) واقع در آناتولی، با ذکر نام پادشاه هیتی و حاکم تمدن میناتی که فرمانروایان سرزمین‌هایی هستند که مردم در آنجا به الهه‌های هندی-ایرانی میترا-وارونا، ایندرا و اشوین‌ها متوسل می‌شوند و به آنها را می‌پرستند، ظاهراً رسیدن موجی از اقوام هندو-ایرانی را به شمال غرب ایران تصدیق می‌کند.

پیش از آمدن مادها به آذربایجان، می‌توان به حکومت مانناییان اشاره کرد. زبان ماننایی‌ها روشن نیست؛ اما بخشی از نام‌های سرداران آنها آریایی است و در کل، زبان واحدی در بین ماننا حاکم نبود. اما ماننایی‌ها بر تحت نفوذ ایرانی‌شدن قرار داشتند و نام‌های ایرانی مانند «دیاکو» و «بغدادتی» و «اودکی» و «ازآ» همگی نام‌هایی ایرانی هستند که در میان آن‌ها دیده می‌شود. همچنین در این دوره می‌توان به حکومت اورارتویی اشاره کرد که اندکی از بخش‌های آذربایجان غربی را شامل می‌شد.

با آمدن اقوام آریایی ماد به فلات ایران، اقوام غیرآریایی با ایشان آمیخته شدند و در یک اتحاد، پادشاهی ماد را به وجود آوردند. آنان تأثیر عمیقی بر تاریخ منطقه آسیای غربی گذاشتند که مهم‌ترین آن نابودکردن حکومت آشور بود. ماد از دو بخش ماد کوچک و ماد بزرگ تشکیل می‌شد که ماد کوچک همان آذربایجان امروزی است و ماد بزرگ شامل تهران، اصفهان، کرمانشاه و همدان می‌شود.



نقشه بازسازی شده هرودوت در ۴۵۰ میلادی که سرزمین مادها را در کنار رودخانه ارس نشان می‌دهد (این نقشه در ۱۸۹۵ بازسازی شده است).

در زمان هخامنشیان، ماد کوچک (آذربایجان) به عنوان یکی از ساتراپ‌ها اداره می‌شد. در اواخر دوران هخامنشی و همزمان با لشکرکشی اسکندر به ایران، ساتراپ ماد کوچک فردی به نام آتورپات (آذرباد) بود. وی توانست این منطقه را از حمله اسکندر حفظ کند. بعد از آن ماد کوچک به نام او «ماد آتورپات» یا «آتورپاتکان» نامیده شد.

در زمان سلوکیان و اشکانیان آذربایجان خودمختاری نسبی داشت که البته اساس کشورداری سلوکیان و پس از آن اشکانیان بر استقلال نسبی استان‌ها استوار بود. در زمان سلوکیان به نظر می‌رسد خاندان آتورپات همچنان بر آذربایجان حکم می‌راندند. در زمان اشکانیان وضعیت حکومت آذربایجان چندان روشن نیست ولی می‌توان حدس زد مانند دیگر نقاط ایران تحت سیطره خاندان‌های زمین‌دار (فتودال) با نفوذ و مطیع اشکانیان اداره می‌شده است. مشکل آذربایجان در زمان اشکانیان یورش‌های سهمگین آلان‌ها و گرجی از قفقاز بود که باعث ویرانی و غارت فراوان می‌شد.

در زمان ساسانیان آذربایجان اهمیت ویژه‌ای یافت. یکی از سه آتشکده معتبر ساسانیان، آتشکده آذرگشنسب در شیز آذربایجان قرار داشت. پادشاهان ساسانی در ایام سختی به زیارت آن می‌شتافتند و هدایای بسیار تقدیم می‌کردند. این آتشکده نشانه اتحاد دین و دولت بود و نماد دولت ساسانی به شمار می‌رفت. در بیشاپور کازرون

کتیبه‌ای وجود دارد که نام خاندان‌های زمین‌دار اوایل حکومت ساسانیان در آن ثبت شده‌است. برای آذربایجان از خاندانی به نام «وراز (Varaz)» نام برده شده که گویا محل اقتدار ایشان آذربایجان، اران و ارمنستان بوده‌است.

در زمان حکومت ساسانیان، مردمان ترک‌تبار خزر به قفقاز وارد شدند. قباد پدر انوشیروان با تلاش فراوان ایشان را عقب راند و دژهای مستحکمی در دربند قفقاز برای جلوگیری از یورش‌های آنان بنا کرد. رومیان نیز هرساله مبالغی برای نگهداری این دژها به دولت ساسانی می‌پرداختند. همچنین در زمان ساسانیان جنگ سرنوشت‌ساز بهرام چوبین با خسرو پرویز در این استان بود که به شکست بهرام انجامید. دیگر رویداد مهم این دوره، واردشدن هراکلیوس امپراتور روم به آذربایجان بود که منجر به ویرانی آتشکدهٔ آذرگشنسب شد.

یاقوت حموی می‌نویسد: «ابن مقفع گفته‌است آذر به زبان پهلوی نام آتش است و بایگان، نگهدار آن که روی هم معنای آن آتشکده یا نگاهدارندهٔ آتش می‌شود و این درست‌تر است؛ زیرا آتشکده در این ناحیه بسیار بوده‌است... مردم آن نیکوروی‌اند و گونه‌های ایشان به سرخی مایل است و پوستی لطیف دارند. ایشان را زبان مخصوصی است که آذری گویند و جز خودشان کس آن را نمی‌فهمد.»

منابع:

مشکور، محمدجواد، نظری به تاریخ آذربایجان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، انتشارات کهکشان، چاپ دوم ۱۳۷۵، گنجینهٔ ایران: ۲۱، ص ۱۸۸.

A) "Mede" Encyclopædia Britannica 2008 (Encyclopædia Britannica Online) 16 January 2008 <<http://www.britannica.com/eb/article-9051719>>.

B) Andrew Dalby, Dictionary of Languages: the definitive reference to more than 400 languages, Columbia University Press, 2004, pg 278.

C) Gwendolyn Leick, Who's Who in the Ancient Near East, Routledge, Published 2001. pg 192

D) Ian Shaw, Robert Jameson, A Dictionary of Archaeology, Blackwell Publishing, 1999.

E) Sabatino Moscati, Face of the Ancient Orient, Courier Dover Publications, Published 2001. pg 67

F) John Prevas, Xenophon's March: Into the Lair of the Persian Lion, Da Capo Press, 2002. pg 20.

G) I.M. Diakonoff, "Media" In Cambridge History of Iran (ed. William Bayne Fisher, Ilya Gershevitch), Volume 2. Pg 140 "Archaeological evidence for the religion of the Iranian-speaking Medes of the.."

H) Amélie Kuhrt, "The Persian Empire, Volume 1", Chp 2: Medes, Routledge, 2007. excerpt from pg 19: "The early history of the western Iranians (Medes and Persian) is a thorny problem..."

I) John Curtis, British Museum, 2000, 2nd edition. pg 34: "They were an Indo-European people who, like the related Persians, spoke an Iranian language" J) "Encyclopedia of Indo-European Culture or EIEC, edited by J. P. Mallory and Douglas Q. Adams, published in 1997 by Fitzroy Dearborn. pg 30: "...and the Medes (Iranians of what is now north-west Iran)..."

unlikely that there was any ethnolinguistic unity in Mannea. Like other peoples of the Iranian plateau, the Mannians were subjected to an ever increasing Iranian (i.e. Indo-European) penetration. Boehmer's analysis of several anthroponyms and toponyms needs modification and augmentation. Melikishvili (1949, p. 60) tried to confine the Iranian presence in Mannea to its periphery, pointing out that both Daiukku (cf. Schmitt, 1973) and Bagdatti were active in the periphery of Mannea, but this is imprecise, in view of the fact that the names of two early Mannian rulers, viz. Udaki and Azā, are explicable in Old Iranian terms.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «آذربایجان قبل از اسلام»، پارسیان دژ، ۱۳۹۳.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://parsiandej.ir/articles/1612/pdf/آذربایجان-قبل-از-اسلام.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵